

فانگوار در ایران

سید عبدالمجید شریف‌زاده

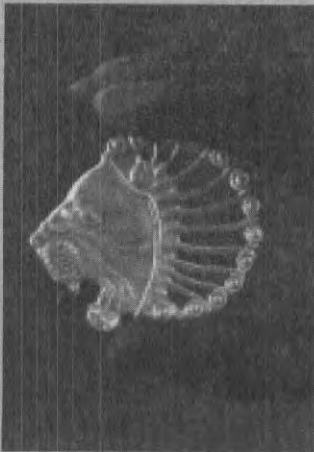
از آغاز کاربرد فلز در هزاره‌ی هشتم پیش از میلاد، اشیای فلزی در ترکیب بندی و شکل‌گیری تمدن بشری سهم مهمی داشته و جزو لوازم ضروری زندگی انسان‌ها بوده است. در تحقیقات باستان‌شناسی اشیای فلزی اهمیت زیادی دارند، چرا که به علت ثبات، دوام و مقاومت جنس و عدم ضربه‌پذیری و شکستن و باقی ماندن به صورت اولیه (به ویژه فلزات گرانبهایی چون طلا، نقره و...) اطلاعات ارزشمندی را به ما انتقال می‌دهند.

انسان از همان آغاز، از این نوع مواد برای بیان ذوق و احساسات هنری خود از فلز بهره برد و با استفاده از شیوه‌های گوناگون فنی، چون چکش کاری، ذوب و قالب گیری، توانست فلزات را چون موم نرم کند و به شکل و صورت دل خواه خود درآورد.

از حدود هزاره‌ی ششم ق. م، انسان ساکن در فلات ایران این توانایی را یافت که، فلزات را از کان‌های استخراج کند و پس از تصفیه، به آن‌ها شکل دلخواه بخشد. مس، طلا و نقره، نخستین فلزاتی بودند که به کار گرفته شدند؛ چرا که به صورت ناب و در نزدیکی سطح زمین وجود داشتند. آمیغ‌ها (آلیاژها)، یعنی صور گوناگون فلزات، به تدریج ساخته شدند و رایج‌ترین آن‌ها مفرغ بود. مفرغینه‌های به دست آمده از لرستان، متعلق به حدود ۱۵۰۰ ق. م، شاید مشهورترین آثار فلزکاری ایران در جهان باشد که در شکل‌ها و مصارف گوناگونی چون: آلات و ادوات و سلاح‌های فلزی، به شکل حیوانات و ظروف گوناگون ساخته شده است.

آثار مفرغی این دوره‌ی لرستان، به دلیل علاقه‌ی این اقوام به تربیت اسب و چابک‌سواری، به شکل اسب و نیز سلاح‌های دستی چون گرز، تبر، چماق، خنجر و شمشیر، و به ویژه بت‌های گوناگون بود. در دسته‌ی اغلب این ابزارها، ترسیم دقیق و شکیل سراسب یا شیر دیده می‌شود. این اشیای بدیع مفرغی، ضمن حفریات و خاک‌برداری در نیم قرن اخیر، از گورهای بزرگ سنگی فردی یا جمعی به دست آمده‌اند. در گورهای سنگی، سوارکاران را با اسب، لگام و آلات فلزی زین و برگ دفن می‌کردند. در گور زنان نیز، زینت‌آلات به ویژه اشیای مفرغی و سیمین، سنجاق‌های سر شبیه سر جانوران، دست‌بند، گوشواره، انگشتر، الواح حکاکی شده و خنخال‌ها و النگوهای آهنی و مفرغی را همراه مردگان دفن می‌کردند.

ویژگی هنر مفرغ لرستان که به همین نام هم در دنیای هنر شهرت یافته است، حاصل باورهای مذهبی مفرغ‌کاران این زمان بود که تحول و رونقی در این هنر عالی و ارزنده به وجود آورد. با کشف جام طلای حسلو در جنوب دریاچه‌ی ارومیه، جام‌های زرین مارلیک و امش در ارتفاعات سواحل دریای خزر، و نیز جام‌های طلای کلاردشت مازندران، باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که در این نواحی، امپرنشین‌هایی وجود داشته‌اند که از هزاره‌ی اول ق. م از هنر و فرهنگ پیشرفته‌ای برخوردار بودند. نقوش جانوران اهلی و غیراهلی و سایر تزئینات بدنه‌ی جام حسلو و جام طلای مارلیک و کلاردشت، پرتویی از هنر ظریف و غنای ذوقی این گروه از ساکنان این منطقه است.

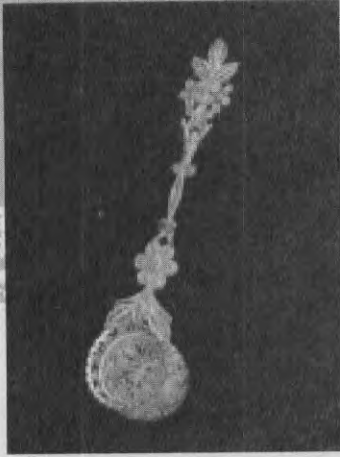


سر شیر از طلا عمارلو، هخامنشی، طول: ۵،۵؛ عرض: ۵ سانتی‌متر

تنگ نقره با روکش طلا و نقش رامشگران مازندران، ساسانی قطر: ۶،۴۳، ارتفاع: ۲۵/۵، وزن: ۹۳۸/۶

بشقاب نقره مازندران ساسانی قطر ۲۸/۶۴

قاسق ملیله، عباس بیات پژوهشکده هنرهای سنتی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری



رشد آموزش هنر
۶
دوره پنجم شماره یک
پاییز ۱۳۸۶

آثار فلزکاری این دوره‌ی تاریخی نیز بخش مهمی از هنر ایران را تشکیل می‌دهد که گروهی از پژوهشگران معتقدند، فلزکاران لرستان همان هنرمندانی بوده‌اند که جام‌های زرین و سیمین دوره‌ی هخامنشی را ساخته‌اند و حتی بر سنگ‌تراشی‌های تخت جمشید نیز تأثیری عمیق گذاشته‌اند. زیرا در بعضی از نقوش برجسته‌ی تخت جمشید، مانند خنجری که به کمر اسلحه دارباشی خشیارشا آویزان است و یا در نقش بعضی از جام‌هایی که روی پله‌های تخت جمشید در دست آورندگان هدا یا است، جزئیات با چنان مهارتی نقش شده‌اند که به نظر می‌رسد، باید اثر فلزکاران باشد.

آثار متنوع فلزی در دوره‌ی هخامنشی، خصوصاً جام‌های زرین و سیمین آن دوره را می‌توان در چهار گروه معرفی کرد:

۱. جام‌هایی به شکل سرجانوران، معروف به جام‌های شاخ‌دار؛ ۲. جام‌های مزین به دسته‌ای از تنه‌ی کشیده‌ی جانوران؛ ۳. جام‌های ساده‌ی بدون دسته؛ ۴. جام‌های لب تخت. در دوران اشکانی و ساسانی، آثاری از هنرمندان فلزکار عرضه می‌شود که نشان از عظمت هنری و دانش فنی آن‌ها دارد؛ شامل بشقاب‌ها، فنجان‌ها، جام‌ها، دیس‌ها و افزارهای رزمی که به

زیباترین شکل و نقش مزین شده‌اند. آثار هنری سیمین و زرین دوره‌ی ساسانی که تاکنون کشف شده‌اند، مهارت و سلیقه‌ی خاص هنرمندان این عصر را نمایان می‌سازند. مضمون تصویری بیشتر بشقاب‌های نقره‌ی این زمان، صحنه‌های شکار، تاج‌گذاری شاهان، انجام تشریفات مذهبی، گل‌ها و پرندگان، مجالس ضیافت و خنیاگران، و اعطای منصب است.

تمام این تجربه‌های فنی و هنری فلزکاران ایرانی، طی قرون متمادی و نسل به نسل محفوظ ماندند، به هنرمندان دوره‌ی اسلامی انتقال یافتند. با فرهنگ و تفکرات جدید ساخته و پرداخته شدند. در نتیجه، روح تازه‌ای را در کالبد این هنرها دمیدند و باعث اوج شکوفایی هنر فلزکاری در ایران شدند. اما در عین حال، تغییراتی نیز در آثار فلزی دوره‌ی اسلامی نسبت به پیش از آن صورت گرفتند؛ شامل: تغییر در جنس اشیای فلزی، یعنی به کارگیری فلزاتی چون برنز، برنج و مس، به جای طلا و نقره که استفاده از آن‌ها ممنوع شده بود؛ تغییر در ساخت آثاری که جنبه‌ی تشریفاتی داشتند، به آثار کاربردی؛ و جایگزین شدن خط جدید و استفاده از آیات، ابیات و اشعار فارسی که سادگی و استحکام، اساس ساخت آن‌ها بود

و بیشتر آن‌ها با ترسیمات و نقوش طلاکوبی و نقره کوبی ارائه می‌شدند.

اهمیت فلزکاری و رونق و گسترش آن به جدی بود. که تأثیر آن را تا اروپا نیز می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه، می‌توان از مشربه‌ای برنجی یاد کرد که در قرن ۱۵ میلادی در شهر ونیز ایتالیا به تقلید از هنر و سبک ایرانی ساخته شده است.

دوره‌ی سلجوقی در ایران را باید دوره‌ی احیای هنر فلزکاری نامید. تأثیر هنر این دوره را باید تا دوره‌ی صفوی مورد بررسی قرار داد. هنر فلزکاری دوره‌ی سلجوقی دارای دو نوع محصول است:

۱. اشیای ساخته شده از ورقه‌های مسی، آهنی، برنجی و ندرتاً از طلا و نقره.
۲. اشیای ریختگی ساخته شده از مرغ، برنج، مس و احتمالاً طلا و نقره. در دوره‌ی صفویه، هنر ایرانی به عصر طلایی خود وارد می‌شود و انواع هنرها، از جمله فلزکاری رونق بسیار می‌یابند. طرح‌های به کار رفته در آثار فلزی این دوره نیز متأثر از دو اصل تشبیع و ملی‌گرایی که در آن زمان در تمامی شئون اجتماعی راه یافته بود، شکل گرفتند.

در فلزکاری عصر صفوی که بر پایه‌ی سنت‌های قدیم و مهارت فلزکاران این دوره



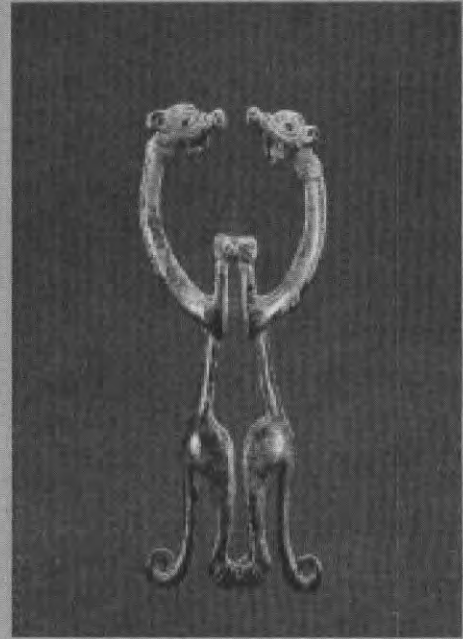
رشد آموزش هنر
۷
دوره پنجم / شماره یک
پاییز ۱۳۸۶

میناکاری است. در این شیوه از فلزکاری، نقش های گوناگونی روی فلزات نقاشی می شوند؛ نقش هایی که با اکسید فلزات و شیشه رنگ آمیزی و در کوره بخته می شوند. میناکاری دو شیوهی اصلی دارد: مینای نقاشی و مینای خانه بندی یا سیمی. مینای نقاشی، شیوه ای است که بیشتر در اصفهان و شیراز انجام می شود؛ در این روش، ابتدا فلز مس توسط استادکاران به فرم های خاص سفارش داده می شود. سپس سطح آن را پرداخت می کنند تا لعاب به خوبی روی آن قرار گیرد. آن گاه ظرف را درون کوره می گذارند تا پخته شود. هنگامی که ظرف سرد شد، آماده ی نقاشی است. طرح مورد نظر که معمولاً از نقوش اسلیمی، ختایی و گل و مرغ تشکیل می شود، روی کاغذ طراحی و سوزن کاری می شود و سپس با گرد زغال آن را روی فلز لعاب خورده پیاده می کنند. در ادامه، خطوط طرح را قلم گیری می کنند و با رنگ های متنوع مینایی رنگ آمیزی می کنند. رنگ مینایی به صورت پودر بسیار نرم است که با محلول گلیسیرین و صمغ عربی، و با آب و یا عصاره ی جوهر کاج رقیق می شود. بعد ظرف را به کوره می برند و حدود ۸۰۰

قلمزنی

هنر تزئین و ایجاد نقش روی فلز، به وسیله ی انواع قلم ها و با استفاده از چکش است. در این شیوه از فلزکاری، ابتدا شیء مورد نظر توسط دواتگران ساخته می شود. در حال حاضر با استفاده از ابزار و وسایل سه شیوه برای ساخت ظروف فلزی به کار برده می شود: روش یک تکه ی بدون درز که با کوبیدن چکش روی ورقه ی فلزی، ظرف شکل می گیرد؛ روش چند تکه که در آن ظرف دارای درز است؛ و یا استفاده از دستگاه پرس کاری و خم کاری. قبل از قلم زدن باید درون یا زیر شیء مورد نظر را از قیر مذاب آنباشت تا پس از سرد شدن کاملاً سفت شود و قلم در آن فرو نرود. پس از انتقال طرح به شیوه های گوناگون، هنرمند با استفاده از قلم های ساده یا آج دار، شروع به قلم زدن می کند. شیوه های گوناگونی در قلم زنی وجود دارند که با نام های شیوه ی عکسی، شیوه ی زمینه پر، شیوه ی مثبت، شیوه ی مشبک و شیوه ی برجسته شناخته می شوند. براساس آثار مکشوف از دوره ی هخامنشی، یکی از شیوه های هنر فلزکاری در ایران که هنوز هم رواج دارد، هنر

استقرار یافته است، چیره دستی و نبوغ هنرمندان این عصر به چشم می خورد. طراحان و نقاشان این زمان، با ابداع شیوه های جدید موازین تازه ای را در سبک های خود ایجاد کردند و در مواردی بسیار، شکل و ترکیب اشیایی را که ظاهری زمخت و خشن و بزرگ داشتند، به کناری نهادند. تعدادی از این گونه ظروف و اشیای دارای سبک تازه، به ویژه دوات های تازه ساخت، از مفرغ و برنج ریختگی، یا درپوش گنبدی شکل و دارای کتیبه هایی از نقره و یا طلا کوبی شده به خط خوش نسخ و نستعلیق، طرف داران بسیاری در داخل و خارج از کشور پیدا کرد. سابقه ی کهن و چند هزار ساله ی فلزکاری در ایران به گونه ای است که هنوز هم در شهرهای گوناگون ایران، شیوه هایی از انواع ساخت اشیای فلزی وجود دارند که به دلیل تنوع و سبک های خاص خود، به عنوان یکی از برجسته ترین هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران محسوب می شوند. هنرهایی چون حکاکی عبارت اند از ایجاد نقوش سطحی و کم عمق روی انواع فلزات با ابزار ساده که بیشتر در شهرهای اصفهان، تهران، زنجان و تبریز رواج دارند.



رشد آموزش هنر
دوره پنجم شماره یک
پاییز ۱۳۸۶

ملیله سازی

هنر ملیله سازی، هنری است که در آن، با استفاده از طلا و نقره که به صورت مفتول های باریک درآمده است، نقش ها و حتی حجم های گوناگونی ساخته می شوند. ملیله سازی از هنرهای فلزی است که بنا به گفته ی پژوهشگران، از حدود ۵۵۰ ق. م رواج داشته است. در دوره ی اسلامی نیز این هنر مورد توجه بوده است، اما متأسفانه از آن جا که اکثر اشیای ملیله ی ایرانی، اعم از طلا و نقره، به منظور استفاده ی محدود از فلزشان ذوب شده اند، نمونه های زیادی از آن ها در دسترس نیست. تنها از دوره ی قاجاریه، تعدادی سرقلیان، گیره ی استکان و سینی و گوشواره و سینه ریز و... باقی مانده اند که در موزه های داخلی و خارجی نگه داری می شوند.

در حال حاضر، ملیله کاری در برخی شهرهای ایران، از جمله زنجان و اصفهان رواج دارد که فرآورده های تولیدی هنرمندان اصفهانی دارای جنبه ی تجملی و تشریفاتی است. ملیله کاران تهرانی بیشتر در امر ساخت جواهرات به فعالیت اشتغال دارند و زنجان تنها شهری است که مصنوعات مصرفی ملیله در آن تولید می شود. نقوش به کار رفته در

درجه ی سانتیگراد حرارت می دهند. یکی دیگر از روش های میناسازی که به صورت محدود رواج دارد و کارگاه اصلی آن در «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» است، مینای سیمی یا خانه بندی نام دارد. در این شیوه، ابتدا سطح فلز موردنظر را که معمولاً مس است، تمیز می کنند و با لعاب شیشه ای و شفاف می پوشانند و آن را داخل کوره قرار می دهند. سپس طرح مورد نظر را روی فلز با دقت اثرگذاری می کنند و به مفتول هایی از مس یا برنج، به صورت طرح موردنظر، انحناهای لازم را می دهند و با پنس و توسط چسب و لعاب، «به لانه» بر روی سطح می چسبانند. پس از حرارت دادن به صفحه، نویت به مرحله ی رنگ گذاری در داخل فضاهای خالی بین سیم ها می رسد که با پودر مینا به رنگ های موردنظر، پر می شود و مجدداً آن را در کوره حرارت می دهند.

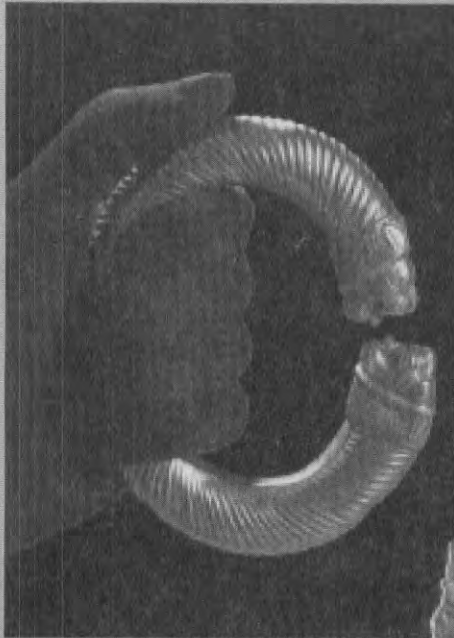
علاوه بر این شیوه ها، می توان به انواع تکنیک های دیگر در میناسازی اشاره کرد که عبارت اند از: مینای حفره ای (حکاکی، و مقعر)، مینای پنجره ای (مشبک، و دورو شفاف) و مینای مرصع.

محصولات این شهرها، با الهام از طبیعت و نقوش سنتی، طراحی و به اجرا درمی آیند که با نام هایی چون برگ فرنگ، ربزه جقه، غنچه، سه چشمه و... شناخته می شوند. نقره ی مصرفی در ملیله سازی دارای عیار ۷۰۰ است، ولی برای ساختن دسته یا پایه ی ظروف که می باید استحکام بیشتری داشته باشد، معمولاً از نقره با عیار پایین تر استفاده می کنند.

طلاکوبی

اوج دوران طلاکوبی روی فلزات را باید مربوط به دوران سلجوقی دانست. پس از آن، در دوره ی صفویه و قاجاریه نیز آثار گوناگونی از ابزار رزم و حتی اشیای کاربردی ساخته می شدند. امروزه بیشترین آثار این شیوه از فلزکاری را برای ساخت علم هایی به کار می گیرند که در مراسم مذهبی به کار می روند و در شهرهایی چون اصفهان و تهران رواج دارند.

در شیوه ی طلاکوبی، ابتدا حجم و یا وسیله ی موردنظر با فولاد و یا آهن ساخته می شود و پس از صیقل دادن سطح اثر، طرح مورد نظر روی آن پیاده و آماده ی طلاکوبی می شود. سطح صیقلی برای طلاکوبی



قلیون، حسن خواجه سیرازی
پژوهشگاه هنرهای سنتی
میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

رشد آموزش هنر
دوره پنجم شماره یک
پاییز ۱۳۸۶

و گل و ... شناخته می شوند. در سیستان و بلوچستان نیز، زیورآلات سنتی این منطقه دارای ویژگی های خاص بومی و فرهنگی است که آن را از سایر مناطق مجزا می سازد. زیورآلات فلزی این منطقه با نام هایی چون: باهویند، باری، پادیک، پلوه، تاسنی، چلمب، تعویذ، چوری و... علاوه بر جنبه های آراستن، گاه جنبه های کاربردی نیز پیدا می کنند: هم چون: موچین، سرمه دان و جعبه های آرایش که در شهرهایی چون زاهدان، خاش، سراوان، چاه بهار، ایرانشهر، بمپور و زابل رواج بسیاری دارند. این چنین است که در بسیاری از شهرهای ایران، به شیوه ای از هنر فلزکاری برمی خوریم. هنرهایی که در تداوم تاریخ چند هزار ساله، حامل فرهنگ و سنت های هنری اقوام ایرانی بودند و هر جهانگردی می تواند، یادبودی از هنر فلزکاری این مناطق را به همراه ببرد و خاطره ای سفر خود به یکی از فرهنگی ترین و هنری ترین کشورهای جهان را حفظ کند.

زیرنویس

1. KOYNEK
2. BOQOV

به زمان های بسیار دورتر بوده است. زیورآلات محلی ترکمن نمونه ای بارزی از این نوع مصنوعات است. این گونه فرآورده ها، ملهم از آداب، رسوم و سنن موجود در منطقه ای ترکمن صحراست. دشت گرگان (ترکمن صحرا) در جنوب رودخانه ای اترک قرار دارد. زنان ترکمن، لباس بلندی به نام «کونیک»^۱ به رنگ قرمز تیره می پوشند، کلاهی بر سر می گذارند، موها را با آویزه هایی از جنس طلا و تقره، به نام های «ساج لئق»، «ساج باغ» یا «ساج مو» می آرایند و هم چنین، سینه ریز درشتی برگردن می آویزند که به آن «بوقاو»^۲ می گویند. اکثر نقوش به کار رفته در زیورآلات و دست بافت های ترکمن ها، حاصل ذهن خلاق دختران و زنان هنرمند و اندیشه ای انتزاعی ایشان از طبیعت است. برخی از این زیورآلات، با استفاده از سکه و زنجیر، و در ترکیب با سوزن دوزی ساخته می شوند (چون قویبا که زیوری برای موی سر است) و برخی دیگر، با شیوه های متفاوت فلزکاری، چون مشبک سازی، برجسته کاری، اندود طلا و حتی نگین کاری به وجود می آیند که نمونه ای آن، «ایلدیگج» است. نمونه هایی از این زیورآلات با نام هایی چون: اورمه، تنه چور، آداملق، آسق، منجوق، قولاق خالقا، بوقا

مناسب نیست، بین سطح کار را با وسیله ای به نام «تیغهی خش اندازی» که شبیه به تیغهی دشته با دسته ای عمود بر تیغه است، خراش می دهند؛ به گونه ای که روی سطح اثر، خراش های موازی به حالت ضربدری و متقاطع ایجاد می شود و سطح زیر به وجود می آید که برای طلاکوبی آماده است. مفتول طلا را با چکش مخصوص بر سطح کار، در جایی که طرح مشخص شده تا با طلا پوشیده شود و خراش داده شده است، می کوبند. در سطوح وسیع تر، چندین بار مفتول طلا را به موازات یکدیگر در آن محل می کوبند تا سطحی را در طرح مشخص شده، کاملاً ببوشانند و با سنگ بشم آن قسمت از سطح طلاکوبی شده را صیقل می دهند. این عمل، علاوه بر این که طلا را بر سطح کار محکم می کند، باعث می شود که سطح کار نیز صیقلی و براق گردد. پس از این کار، با آتش اثر موردنظر را حرارت می دهند تا رنگ فولاد تیره تر شود و در نتیجه، طلا روی آن خود را بهتر نشان دهد.

سابقه ی زیورآلات در ایران طبق آثار به دست آمده از سوش، به پنج تا چهار هزار سال پیش از میلاد بازمی گردد. اما مسلم است، موضوع خودآرایی زنان و مردان مربوط